

بررسی و معرفی آثار معماری هخامنشیان در مصر

دکتر رحیم ولایتی

مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

رضا قاسمی

کلیدواژگان: باستان‌شناسی، هخامنشیان، آثار معماری، مصر

چکیده

در این مقاله، ضمن نگاهی کوتاه به تاریخ هنر مصر، ویژگی‌های آن در زمان حاکمیت هخامنشیان در مصر و تأسیس سلسله بیست‌وهفتم و سی‌ویکم برای اداره آن کشور به دست هخامنشیان در مقام ساتراپی بررسی می‌شود. پیشینه این تحقیق طولانی و مواد استفاده‌شده در آن آثار معماری کشف‌شده در مصر است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و مطالعه گزارش پژوهش‌های میدانی استفاده شده است. براساس این گزارش‌ها شاخص‌ترین اشیا و آثار هخامنشی در مصر عبارت‌اند از: آثار معماری و میراث مکتوب از قبیل کتیبه‌های هخامنشی به خط هیروگلیف از وادی حمامات و کتیبه‌های آرامگاهی هخامنشی و پایروس‌هایی به خط آرامی از جزیره الفانتین و همچنین نقش برجسته‌های هخامنشی در شهر باستانی ممفیس بر دیوارهای معبد هیبیس و یادگارهای معماری هخامنشی در مصر مانند ساختمان معبد هیبیس و آثار معماری هخامنشی در الفانتین و سنگ یادبودهای داریوش در کنار کانال

سوئز و مهرهای حکومتی هخامنشیان که امروزه در مراکز پژوهشی مطالعه و بررسی شده است. بررسی نتایج این مطالعه درباره تأثیر فرهنگ و هنر و تمدن ایران و مصر نشان می‌دهد که تأثیر فرهنگ مصری بر این آثار زیاد بوده و اکثر یافته‌های باستان‌شناختی به‌شدت از فرهنگ و هنر مصر تأثیر گرفته‌اند.

مقدمه

با پدیدار شدن امپراتوری هخامنشیان و فتح مناطق گسترده‌ای از جهان و استفاده از تجربه فرهنگی و هنری بیشتر تمدن‌های بزرگ منطقه در آن زمان، فرهنگ و تمدن ایران از غنای عمیق و تکامل شگرفی برخوردار شد. یکی از تمدن‌های بزرگ منطقه که تأثیرات علمی و فرهنگی و هنری عمیق و تکامل‌بخشی بر تمدن ایران گذاشت، فرهنگ و تمدن مصر است. کوروش پس فتح آسیای صغیر و دست‌یابی به پیروزی بزرگ آماده تاختن به بابل و مصر و فتح آن دو شد. البته در سال ۵۳۰ ق م در شمال شرق امپراتوری خود

پرسش‌های تحقیق

بر اساس پژوهش‌های میدانی در مصر کدام آثار معماری اثبات شده است که متعلق به دوره هخامنشیان است؟
تأثیر هنر معماری مصری در هنر معماری هخامنشی چیست؟

کشته شد و نتوانست برنامه‌هایش را برای گسترش امپراتوری به‌ویژه فتح مصر عملی کند. لذا تسخیر مصر را جانشین او کمبوجیه دنبال کرد. وی در پیش‌روی پیروزمندانه به مصر پس از درهم شکستن آخرین مقاومت ارتش این کشور در اطراف شهر ممفیس، پایتخت مصر، و اسارت فرعون پسامتیک سوم خود را پادشاه و فرعون مصر خواند. دوره اول حاکمیت هخامنشیان یا بیست‌وهفتمین سلسله از ۵۲۵ ق م تا سال ۴۰۴ ق م به طول انجامید. در دومین دوره فرمانروایی یا سلسله سی‌ویکم سال ۳۳۸-۳۴۳ ق م اردشیر اول حکومت کرد. سال ۳۳۲-۳۳۵ ق م داریوش سوم حکومت مصر را در اختیار داشت. براساس گسترش فعالیت‌ها و پژوهش‌های میدانی در نقاط گوناگون مصر چند اثر معماری متعلق به دوره حاکمیت هخامنشیان شناسایی و معرفی شده است چنانکه تاکنون در جزیره الفاتین مصر هیئت باستان‌شناسی آلمانی موفق به شناسایی آثار معماری هخامنشیان شده، و محققان و معماران و باستان‌شناسان زیادی واحه الخارقه معبد بزرگ هیبیس را، که آثار و مستندات زیادی مبنی بر احداث و تعمیر و مرمت اساسی در دوره داریوش اول و دوم دارد، یادگار معماری هخامنشی در مصر شناخته‌اند. همچنین در پروژه حفاری تل‌المشکوتا آثار معماری مربوط به این دوره شناسایی و معرفی شده است. در جدیدترین کشف آثار معماری هخامنشی در مصر، پایگاه اطلاع‌رسانی مصر گزارش داده است که زاهی هواس، مدیر کل شورای عالی آثار باستانی مصر و از باستان‌شناسان برجسته این کشور، خبر کشف باقی‌مانده قلعه یا دژی را اعلام می‌کند که به دوران حضور هخامنشیان در مصر مربوط است. این قلعه در سی کیلومتری شرق کانال سوئز قرار دارد اما هنوز اطلاعات دقیق و کاملی از ساختار و شیوه معماری آن منتشر نشده است و تنها خبر کشف آن را باستان‌شناسان تأیید کرده‌اند.^۱ در مناطق دیگر مصر نیز آثار معماری دیگری وجود دارد که ارتباط هنری و تأثیرگذاری هنر معماری دوره هخامنشیان در آنها مطالعه و اثبات شده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات فراوانی درباره آثار معماری و وضعیت شهرسازی دوره هخامنشی در مصر صورت گرفته ولی به طور مشخص کسانی که براساس یافته‌های باستان‌شناسی و مطالعات و پژوهش‌های موضوع معماری و شهرسازی و

1. <http://www.sis.gov.eg/En>

اختصاصاً دربارهٔ چگونگی ساخت و مرمت معبد بزرگ هیبیس در واحهٔ الخارقهٔ مصر تحقیق و کار میدانی کردند. این هیئت ضمن کاوش باستان‌شناسی و مطالعه و بررسی وضعیت معماری این معبد، دوره‌های مختلف این معبد، به‌ویژه چگونگی ساخت و مرمت اساسی آن را در دورهٔ هخامنشیان، شناسایی و معرفی کرد. حاصل این تحقیق در کتاب:

Winlock, Herbert Eustis, (1941) *The Temple of Hibis in el-Khargeh Oasis*, The Metropolitan Museum of Art Egyptian Expedition, New York.

گردآوری و تدوین و چاپ شده است.

۵. دی آرنولد، محقق معماری و باستان‌شناس آلمانی، ضمن پژوهش‌های میدانی دربارهٔ آثار معماری دورهٔ هخامنشی در مصر و ایران، تأثیر هنر معماری مصری را در هنر معماری هخامنشی بررسی و حاصل این پژوهش‌ها را در دو جلد کتاب:

Arnold, Dieter, (1994), *Lexikon der ägyptischen Baukunst*, München, Zürich, Artemis.

Arnold, Dieter, (1999), *Temples of the Last Pharaohs*, New York /Oxford, Oxford University.

چاپ و منتشر شده است.

۶. دی. آ. آستون ضمن بررسی و مطالعهٔ ویژگی‌های معماری آرامگاه‌های هخامنشی در مصر، به مطالعه و تشریح آثار معماری هخامنشی در مصر نیز توجه کرده که حاصل این تحقیق را در بخشی از کتابی با عنوان

Aston, D. A. (1999), *The Funerary Archaeology of the Persian Period*, Studies on Ancient Egypt in Honour of H. S. Smith, London.

چاپ و منتشر کرده است.

۷. اریک اف. اشمیت، ضمن کار میدانی باستان‌شناسی در تخت جمشید، آثار معماری دورهٔ هخامنشی را در مصر به‌ویژه معبد هیبیس مورد توجه خاص قرار داده و تأثیرات هنر معماری مصر

مستندات تاریخی دربارهٔ این موضوع تحقیق و پژوهش کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. جی. پوزنه^۲ فرانسوی به پژوهشی دربارهٔ ارتباط فرهنگی و هنری ایران و مصر در دورهٔ هخامنشیان براساس یافته‌های باستان‌شناسی پرداخته است. حاصل این تحقیق و پژوهش ارائهٔ نتایج آن با توجه به کشف صدها اثر و شیء و بنا و اثر معماری معبد و آرامگاه و کتیبه و نقش برجسته از این دوره و معرفی آنها در مصر بوده است که روشن‌کنندهٔ زوایای تاریک و مبهم تاریخ این دوره در مقطعی ۱۳۲ ساله است. نتایج این تحقیقات در کتابی تحت عنوان نخستین سلطه پارس‌ها در مصر جمع‌آوری و در سال ۱۹۳۶ در قاهره چاپ و منتشر شده است:

Posener, G. (1936), *Domination Perse En Egypte*, recueil d'inscriptions hiéroglyphiques, Institut français d'archéologie orientale (Le Caire).

۲. کارول میسلویچ^۳ باستان‌شناس از کشور آلمان نیز دربارهٔ موضوع ارتباط فرهنگی و هنری ایران و مصر به‌ویژه دربارهٔ آثار معماری مصر در دورهٔ هخامنشیان براساس یافته‌های باستان‌شناسی، از جمله آثار معماری این دوره در جزیرهٔ الفانتین، مطالعه و بررسی کرده است. وی همچنین شخصاً در حفاری‌های باستان‌شناسی مصر به این دوره از تاریخ مصر توجه خاص مبذول داشته و نتایج تحقیقات خود را در کتابی با عنوان *Herr Beider Länder* در سال ۱۹۹۸ در آلمان منتشر کرده است.

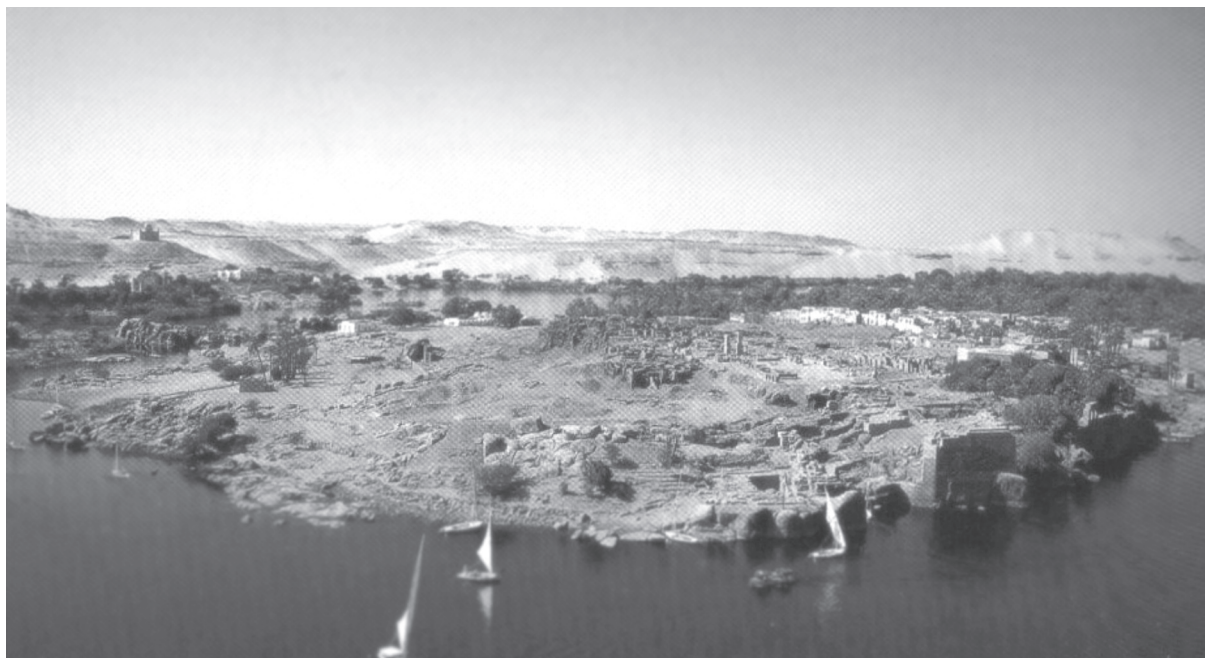
۳. پی‌یر بریان^۴ محقق فرانسوی یافته‌های باستان‌شناسی و مطالعات معماری و مستندات تاریخی را به طور کامل مطالعه و دربارهٔ آن‌ها تحقیق کرده، و براساس مطالعات خود دربارهٔ کلیهٔ امور امپراتوری هخامنشی اطلاعات مفصل و قابل استفاده‌ای فراهم کرده است. حاصل این پژوهش در کتابی با عنوان امپراتوری هخامنشی چاپ و منتشر شده است.

۴. هربرت ونلوک محقق امریکایی از موزهٔ متروپولیتن نیویورک و گروه همراه او از جمله هیئت‌های پژوهشی نادری بودند که

2. G. Posener

3. Karol Mysliwiec

4. Pierre Briant



۱. دورنمای جزیره الفاتین،
 مأخذ: Seidel, Matthias and Schulz, Regine, EGYPT, p
 480.

الاسوان نامیده می‌شود.^۶ الفاتین در فاصله چند کیلومتری و کمی پایین‌تر از اولین آبشار رود نیل قرار دارد «ت ۱». در کنار ساحل شرقی رود نیل جزیره‌ای با حدود ۳ کیلومتر طول پوشیده از نخل قرار دارد، که اکنون در رأس جنوبی آن شهر باستانی الفاتین، یکی از مقرهای امپراتوری فراعنه مصر، قرار گرفته است. این جزیره را یونانیان در منابع تاریخی لاتین الفاتین ترجمه کرده‌اند^۷، زیرا کلمه «swenet» که نام امروز اسوان از آن گرفته شده، در مصر باستان معنی تجارت هم می‌داده است. شهر و محوطه معبد به طور کلی روی قسمت جنوبی جزیره ساخته شده است.^۸ طبق نظر د. آرنولد^۹ شهر باستانی الفاتین، براساس پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعه و بازخوانی کتیبه‌ها، بقایای باارزش و مهمی از یک مرکز مهم تجاری در خود دارد که شروع آن به دوره پیش از تاریخ برمی‌گردد و قلعه نظامی الفاتین در زمان اولین سلسله مصر توسعه و تکامل یافته است.^{۱۰}

را در تخت جمشید مطالعه و مقایسه کرده است. او سه جلد کتاب درباره تخت جمشید و ویژگی‌های هنر معماری هخامنشیان تألیف کرده که در جلد اول آن:

Schmidt, Erich, F. (1953), *Persepolis, Structure, Reliefs, Inscriptions*, The University of Chicago, Oriental Institute Publications, Chicago, Illinois.

تأثیر هنر معماری مصر را در معماری هخامنشیان به‌ویژه تخت جمشید بررسی کرده است.

آثار معماری کشف‌شده از دوره هخامنشی در جزیره الفاتین

نام الفاتین را یونانیان به این جزیره دادند که درست در مقابل منطقه اسوان^۵ قرار داشته است امروزه در این نقطه سد بزرگی بر روی نیل ساخته‌اند. آنها لغت باستانی مصری را که «جزیره» معنا داشت به الفاتین ترجمه کردند. امروزه این جزیره در مصر

5. wansuanA

6. Otto 1986, S. 1217

7. Eduard Meyer, *Der Papyrusfund von Elephantine*, p, 7.

8. Baines, John & Malek, Jaromir, *Welt Atlas Der Alten Kulturen Ägypten*, P, 72.

9. Arnold .D

10. Arnold, Dieter, *Lexikon der ägyptischen Baukunst*, P, 73.



ت ۲. موقعیت آثار معماری در جزیره الفاتین، مأخذ: Wilkinson, Richard, H. The Complete Temples of Ancient Egypt, p 211

آثار معماری دوران باستان کشف شده در جزیره الفاتین

جزیره الفاتین حدود سه کیلومتر طول و هزار و پانصد کیلومترمربع مساحت دارد و یکی از بزرگ‌ترین جزیره‌های رود نیل در نزدیکی‌های جنوب مصر است. این جزیره پشت اولین آبشار قرار دارد و به همین دلیل برای تأسیسات دفاعی در مرزهای جنوبی مصر مناسب بوده است. جزیره الفاتین روی برآمدگی‌های گرانیتی انتهای جنوبی کشور مصر قرار دارد؛ به همین سبب به حاکمان این جزیره لقب «نگهبانان دروازه‌های جنوبی» داده بودند.^{۱۱} طبق پژوهش‌های باستان‌شناسی و طرح اولیه باستان‌شناسی، پنج ناحیه مهم در جزیره الفاتین وجود داشته که نشان‌دهنده مساحت آن است. این پنج ناحیه بدین شرح‌اند «ت ۲ و ۳».

۱. آبادی (محل مسکونی) Ar

در گوشه جنوب شرقی جزیره یک آبادی وجود داشته که با دیواری متناسب با محیط آن و نیز با برج‌هایی مدور محصور می‌شده است. در محوطه بیرون آن، به سمت شمال، دژی به ابعاد ۵۳×۵۳ متر با همان برج‌های مدوری قرار داشته که در دوران سلسله اول پایه‌گذاری شده بود.^{۱۲}

۲. معبد خنوم^{۱۳}

تمام عمارت معبد نکتانوس دوم^{۱۴}، به جز ورودی معبد پادشاهی که از جنس گرانیت است، خراب شده و فقط بقایای پایه‌های معبد قابل مرمت و بازسازی است «ت ۷». در زمان فیلیپوس آریادائوس ستون‌های روباز پرونائوس به تعداد ۶×۲ ساخته شده است. در زمان رومیان در جلو آن یک راهرو ستون‌دار وجود داشته که سقف آن با شاخه‌های درختان پوشیده می‌شده است.

11. Otto 1986, 1217

12. Arnold, Dieter, *Lexikon der ägyptischen Baukunst*, P, 73.

13. Chnum

14. Nektanebos

۵. عبادتگاه مقدس هکایب^{۲۰}

در سمت غرب، در داخل محدوده، عبادتگاه مقدس و مهم هکایب قرار دارد که از نظر تاریخ تکامل عبادتگاه‌های مصری عبادتگاه مهمی بوده است؛ عبادتگاهی روباز با دو تندیس.^{۲۱}

معماری دوره هخامنشی در جزیره الفانتین

مؤسسه باستان‌شناسی آلمان و مؤسسه باستان‌شناسی سوئیس در قاهره از سال ۱۹۶۹ تحقیقات باستان‌شناسی خود را در جزیره الفانتین مصر به طور منظم و براساس اصول و مقررات موجود انجام داده‌اند.^{۲۲} نوشته‌های روی پاپيروس به خط آرامی مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش باستان‌شناسی در منطقه جزیره الفانتین مصر درباره دوره هخامنشیان و نیز قلعه‌ها و پادگان‌های یهودیان به شمار می‌رود که به عنوان کلنی یهودی در حدود صدوپنجاه سال در این منطقه مستقر بوده‌اند. این یهودیان با مردم بومی منطقه همزیستی مسالمت‌آمیزی داشتند و بسیاری از سنت‌های زندگی و اعتقادی مصری‌ها و یهودیان مشترک بود؛ به طوری که حتا با یکدیگر وصلت می‌کردند.^{۲۳} براساس گزارش‌های حفاری باستان‌شناسی و پژوهش‌های مستمر مؤسسه باستان‌شناسی آلمانی در قاهره^{۲۴} در جزیره الفانتین که از اول اکتبر ۱۹۸۷ تا آوریل ۱۹۸۸ و از ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ در این شهر و معابد آن انجام شد، آثار زیادی از دوره حکمرانی هخامنشیان در این جزیره شناسایی و جزئیات و مشخصات آنها بدین شرح معرفی شد: ساختمان‌های مسکونی مربوط به اواخر دوران هخامنشی در منطقه شهری الفانتین، که اخیراً حفاری و کشف شده، به‌خصوص از نظر تاریخچه ساختمان‌سازی و باستان‌شناسی شرایط مناسبی برای بررسی دقیق و عمیق این منطقه مسکونی عهد عتیق فراهم می‌کند. تعداد زیادی از یافته‌های کوچک کشف‌شده و اشیای سفالی بیانگر صورت اموال خانه است و ترتیب زمانی و تاریخی مطمئنی از آغاز ارائه می‌دهد. مراحل تکامل به بیست‌وپنجم، بیست‌وشش،

نزدیک در ورودی محوطه‌ای به عرض ۴۸ متر وجود داشت و مجموع طول راهرو ستون‌دار بالغ بر ۱۲۳ متر بوده است.^{۱۵}

۳. معبد زاتت^{۱۶}

در سطحی پایین‌تر از جزیره معبد کوچک‌تر زاتت (نسبت به معبد خنوم) با پلکانی زیبا و عریض قرار دارد. عبادتگاه ساده‌ای بین صخره‌های بزرگ گرانیتی با ستون‌های آجری در جلو آن از دوران پیش از تاریخ به جا مانده است. در زمان حکومت ششمین سلسله فرعون مصر، معبدی کوچک‌تر و سپس ساختمان جدید^{۱۷} و بعد از آن ساختمانی آهنی مربوط به دوره سیسوتیس اول ساخته و به صورت ظریفی تزیین شده است.^{۱۸}

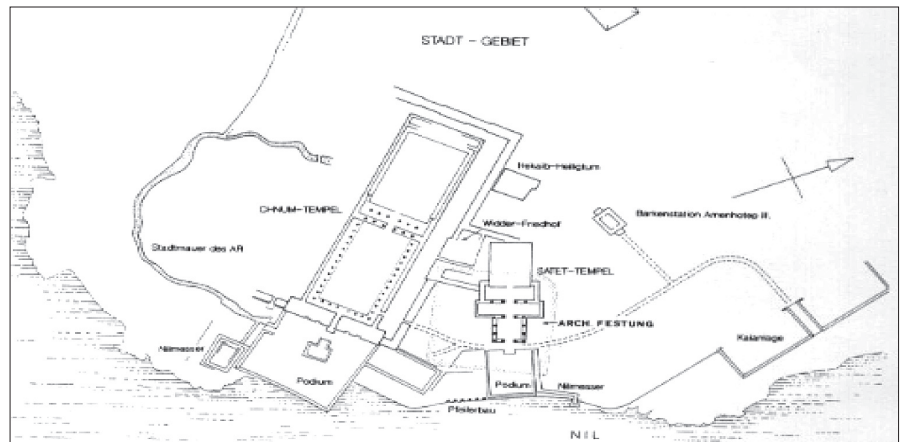
۴. پلکان صفا

در قسمت شمال غربی شهر، پلکان سه‌طبقه‌ای صفا قرار دارد که مربوط به سومین سلسله و از تخته‌سنگ‌های گرانیتی ساخته شده است. ابعاد این پلکان $۱۸/۴۶ \times ۱۸/۴۶$ متر و ارتفاع آن حدود $۱۲/۶$ متر است. در روی یکی از آنها، در نزدیکی مخروط گرانیتی، نام پادشاه هونی^{۱۹} کشف شد.

15. Arnold, Dieter, *Lexikon der ägyptischen Baukunst*, P, 73.
16. Tempel Satet
17. Mentuhoep Nebhepetr
18. Arnold, Dieter, op cit, P, 74.
19. Huni
20. Hekaib-Heiligtum
۲۱. همان
22. Arnold, Dieter, op cit, P, 74.
۲۳. داندامایف ۱۳۸۱: ۳۱۹
24. Deutsche Archäologischen Institut in Keiro Mittailung)

(در این تحقیق نام مؤسسه به صورت اختصار آمده است: MDAIK)

ت ۳. نقشه محوطه عمومی جزیره الفانتین براساس حفاری‌های باستان‌شناسی. مأخذ: Arnold, Dieter, *Lexikon der ägyptischen Baukunst*, p, 73



سلطه حاکمیت هخامنشیان در مصر ساخته شده است.^{۲۷} لایه ساختمانی مربوط به بیست و هشتمین و سی امین سلسله از دوره نسبتاً کوتاه آخرین سلسله مصر (حدود ۴۰۰ تا ۳۳۲ قبل از میلاد) یک محله مسکونی به هم پیوسته شناسایی شده است محل مسکونی آرامی‌ها احتمالاً با خاتمه نفوذ هخامنشیان در مصر، حدود ۴۰۰ قبل از میلاد، به دیگران واگذار و به تدریج با لایه‌های بعدی ساختمانی پوشیده شده است. در عین حال از برخی از ساختمان‌های لایه پیشین به عنوان ساختمان‌های فرعی به طور مثال طویل (اصطبل) و واحد اداری-اقتصادی شهر باز هم استفاده شده است.^{۲۸}

آثار معماری هخامنشی در واحه الخارقه

در باره مکان‌یابی جغرافیای واحه الخارقه می‌توان گفت: واحه الخارقه در صحرای غربی مصر قرار دارد. در متون مصری به طور کلی واحه یا واحه جنوبی یا حتی به سادگی از طریق نام بزرگان آن "Hbts" نامیده شده است. این واحه بین ۲۴ درجه و ۳۰ دقیقه و ۲۶ درجه و ۵ دقیقه شمالی و طول ۳۰ و ۲۵ دقیقه و ۳۰ درجه و ۵۰ دقیقه شرقی قرار دارد که محور طولانی آن در جهت شمالی شرقی امتداد دارد و تقریباً در فاصله ۲۲۰ کیلومتری جنوب غربی آسوان^{۲۹} است و بیش از ۲۱۰ کیلومتر از معبد

بیست و هفت، بیست و هشت و سی امین سلسله حکومتی مصر مربوط است. ترتیب زمانی و تاریخی فعلی براساس آثار خطی روی پاپیروس‌ها و نوشته‌های روی ظروف و نیز برچسب‌های چوبی و نوشته‌های روی ظروف سفالی تاریخ‌گذاری شده منظم شده است.^{۲۵} تحقیقات باستان‌شناسی در محل سکونت آرامی‌ها در جزیره الفانتین در طول دوران بیست و هفتمین سلسله مصر در خانه G صورت گرفت و در حوزه مجاور در جنوب ادامه یافت «ت ۴». در همسایگی کاملاً نزدیک خانه‌های معروف (M, G, I) چهار ساختمان دیگر را نیز هیئت باستان‌شناسی شناسایی کرد. الگوی شهرسازی منطقه ثبت شده کنونی ساختارهای خاصی دارد که به وضوح از طرح اولیه قبلی متمایز است و به ساختمان‌های مستقل و چندطبقه‌ای مربوط می‌شود که بدون ارتباط با ساخت و ساز قدیمی‌تر در منطقه جدیدالتأسیس ساخته شده‌اند. از خانه‌های G و O قسمت‌های غربی حفظ شده و قسمت‌های شرقی در جریان گسترش معبد خنوم، که بعدها اتفاق افتاده، از بین رفته‌اند. با اینکه نیمه جنوبی طرح را بنای خانه‌ای پوشانده که در نقشه O نامیده شده، و هنوز ساختمان‌های بعدی روی هم‌دیگر قرار گرفته‌اند، بین دو ساختمان و ترتیب آنها تطابق‌های گوناگونی یافت شده است.^{۲۶}

برخلاف نتایج حفاری باستان‌شناسی قبلی در محل پادگان نظامی آرامی‌ها در الفانتین (محله آرامی‌ها) هیئت باستان‌شناسی توانست محدوده آن را دقیق‌تر و وسیع‌تر تعیین کند. علاوه بر ویژگی تکاملی این لایه ساختمانی، چیزی که جلب نظر می‌کند این است که محله در جریان توسعه خود مترکم‌تر شده است. در خانه‌های O و M با نصب و اضافه کردن دیوارها، آن طور که از روایت‌های مکتوب در نامه بوگاس انتظار می‌رفت، واحدهای مسکونی بیشتری در این محوطه ساخته شده است. حفاری‌ها در مورد مستعمره آرامی‌ها قبل از بیست و هفتمین سلسله بیانگر هیچ‌گونه اطلاعاتی نیست. در مورد خانه‌هایی که در اینجا توصیف شده‌اند، موضوع مربوط می‌شود به ناحیه‌ای که بعد از

25. MDAIK46,1990: 213

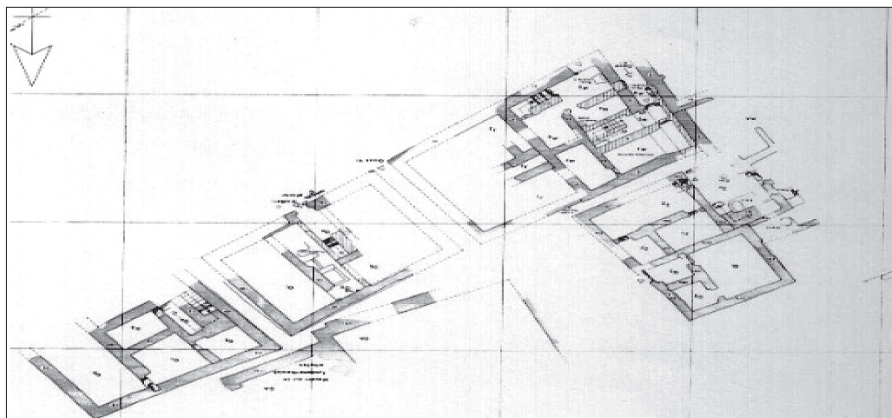
26. MDAIK46,1990: 215

۲۷. همان

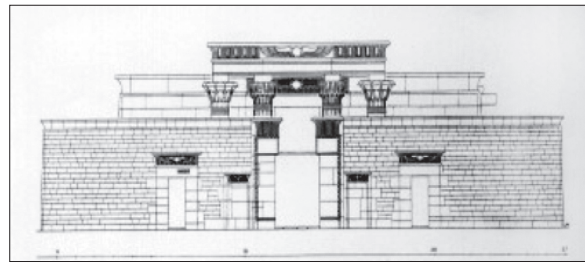
۲۸. همان

29. Assiut

ت ۴. نقشه جزیره الفانتین که لایه استقرار سلسله‌ها از جمله سلسله ۲۷ را نشان می‌دهد، مأخذ: MDAIK49,1993: 178



ت ۵. تصویر ترسیمی نمای کلی معبد هیبیس در واحه الخارقه، مأخذ: Arnold, Dieter, Lexikon der ägyptischen Baukunst, p. 49



لوکسور^{۳۰} فاصله دارد. جی. ویلنتنر^{۳۱} در مورد واحه‌های مصری در دوره حاکمیت هخامنشیان (پارس‌ها) چنین اظهار کرده است: در دوره بعد از سائسهاها در دوره بیست‌وهفتمین سلسله، در حالی که خاندان هخامنشی بر مصر حکومت می‌کرده است، به نظر می‌رسد اهمیت واحه الخارقه باز هم بیشتر شده است. مصر و واحه‌ها در غرب، که امروزه در لیبی واقع شده است، در آغاز فرمان‌روایی هخامنشی به ششمین و بعداً به بیستمین استان پارس اضافه و سپس ضمیمه امپراتوری شد.^{۳۲} والتر هینس^{۳۳} در مورد موقعیت واحه الخارقه در دوره هخامنشیان در مصر چنین اظهار نظر کرده است: داریوش زمستان ۴۹۶-۴۹۷ قبل از میلاد را در مصر سپری کرد و به طرزی خستگی‌ناپذیر مراقب اداره امور کشور بود. وی چندی به فکر گردآوری قوانین مصر افتاد که می‌بایست وضع می‌شد. در عین حال سفرهایی در داخل کشور مصر انجام داد. چنین سفری او را در ۴۹۶ قبل از میلاد به جنوب و به کویرهای لیبی کشاند. زمانی که پادشاه ایران بعد از ۵ روز شترسواری به واحه معروف الخارقه رسید به او گزارش دادند که جریان آب واحه به شدت کاهش یافته است. به امر اوستادکاران مقنی ایرانی را به مصر آوردند. آنها در سرزمین واحه الخارقه کانال‌های زیرزمینی و قنات برای آبیاری حفر کردند. از همان قنات‌هایی که ایرانیان از اوراتورهای ساکن در کنار دریای آبی یاد گرفته بودند و سپس آن را در ایران استفاده و گسترش دادند.^{۳۵} نزدیکی شهر الخارقه معبد معروف Hbt قرار دارد که یکی از مهم‌ترین و زیباترین معابد به‌جامانده در سراسر مصر است. پی

30. Luxor
31. Winlock, Herbert Eustis, *The Temple of Hibis in el_Kharge Oasis*, P. 13.
32. Willeitner
33. Willeitner, Joachim, *Die ägyptischen Oasen, Städte*, P. 20.
34. Hinz
35. Walther Hinz, *Darius und die Perser*, P. 214.
36. Amun-Re
37. Seth
38. Helck, w. Otto, E., *Lexikon der Egyptology*, P. 909.
39. Amun Hibis
40. Apries
41. Bonnet 1952: 299

بنا و اساس آن در دوران بیست‌وششمین سلسله گذاشته شد، با وجود این دیوارهای معبد هیبیس در دوران داریوش اول نوشته شد. به نظر می‌رسد طبق شواهد این معبد در سال‌های بین ۴۵۸-۵۲۲ قبل از میلاد یعنی در دوره اول فرمان‌روایی هخامنشیان بنا شده است (معبد در سی‌امین سلسله در زمان فرمان‌روایی نکتانئوبوس دوم گسترش یافت (۳۴۱-۳۵۹ ق م)). این معبد در مرکز شهر قدیمی قرار داشت، و به خدای آمون را^{۳۶} پیشکش شده بود. دیوارها از تصاویری پوشیده شده که نمایانگر مراسم مذهبی از جمله بنیان‌گذاری معبد است و صحنه‌های دیگر سایر خدایان مصر را نشان می‌دهد. صحنه‌ای از خدای ست^{۳۷} که ماری را با نیزه صید کرده، یکی از زیباترین نقوش برجسته معبد است. برای بررسی آیین و مذهب مصر صحنه‌های روی دیوار محل مقدس از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند^{۳۸} براساس متن قدیمی هیروگلیفی، این معبد Hibis نامگذاری شده است. این معبد در پایتخت واحه الخارقه قرار داشته است، شهری که خوب به جا مانده و وقف خدای آمون هیبیس^{۳۹} شده بود. در کنار آن تقریباً همه خدایان بزرگ مصر تکریم شده‌اند. به‌خصوص برای آیین اوزیرس مکان‌های خاصی وجود داشت. معبد به دستور داریوش اول بنیان نهاده شد، در زمان داریوش دوم تزیین و بازسازی و در زمان نکتانئوس دوم و همین‌طور بطالسه گسترش یافت. شهر باز هم در دوران رومی‌ها شکوفا شد. از ساختمان‌های قدیمی هیچ‌چیز به جا نمانده است. به این موضوع در جامی قربانی به نام آپیرس^{۴۰} اشاره شده است.^{۴۱}

ویژگی‌های معماری معبد هیبیس واحه الخارقه

ساختمان اصلی معبد هیبیس که کار دوره داریوش اول و داریوش دوم در سال‌های ۴۰۵-۵۲۱ ق م است، قائم‌الزاویه با طول ۴/۴ متر، عرض ۱۹ متر و ارتفاع ۸/۵ متر است. معبد تشکیل شده از «۵ و ۸»:

به هنگام جشن‌های یادبود، خاک‌سپاری، زنده و برانگیخته شدن اوزیریس برپا می‌شد.^{۴۴}

چرایی و چگونگی ساخت معبد هیبیس در واحه الخارقه

داریوش به طور اصولی کار خود را با ترکیب و امتزاج فرهنگ در واحه شروع کرد و معابد زیادی در مصر ساخت که در کتیبه‌های ساختمان معابد در بوزیرس و الکاب و ادفو و هیبیس^{۴۵} از آنها نام برده شده است. یکی از این معابد در واحه دورافتاده الخارقه در دویست کیلومتری غرب رود نیل، به نام معبد هیبیس تقریباً دست‌نخورده و سالم باقی مانده است.^{۴۶} وی. دی. ویاقانردن^{۴۷} در مورد معبد هیبیس این سؤال را مطرح می‌کند که چرا ایرانیان در دوره هخامنشیان این معبد را در این واحه و در این گوشه دورافتاده از قلمرو جهانی ساخته‌اند؟ بدون شک برای تبلیغ در خارج از قلمرو پادشاهی نبوده است، زیرا در آن زمان به چنین مسئله‌ای فکر نمی‌کرده‌اند. معابد برای اهمیت دادن به محل‌های مهم رفت‌وآمد و مراکز تجاری ساخته می‌شد. داریوش اول اهمیت این واحه را برای قلمرو جغرافیایی حاکمیت خود کاملاً درک کرده بود.^{۴۸} براساس گزارش جدید طرح حفاری و مرمت معبد هیبیس در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۶، ای. کورس اوریبو معتقد است اگر بخواهیم معبد را از نظر زمانی برای ساخت و مرمت طبقه‌بندی کنیم، امکان اعتماد به کارتوشه‌ها وقاب‌های بیضی‌شکل دیوارهای معبد وجود ندارد، زیرا در این کارتوشه‌ها فقط زمان برخی صحنه‌های تزیین شده ذکر شده است. از این رو فقط می‌دانیم صحنه‌هایی که کارتوشه‌های داریوش روی آنها ترسیم و حک شده، نزدیک‌تر از ۴۸۶ ق م نیست. تفاوتی که در کارتوشه‌های داریوش در داخل و بیرون از معبد وجود دارد به فرضیات و تصوراتی منتهی می‌شود و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌توان انتساب آثاری را در معبد هیبیس به داریوش اول یا داریوش سوم ثابت کرد. او مراحل ساخت را برای مجموعه

۱. راهرویی ستون‌دار با دوازده ستون که با نخل و گل‌های کاسه‌ای شکل در سرستون‌ها و دیوارها تزیین شده و جز نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های تزیین دیگری ندارد (ت ۹).

۲. سالن قربانی با چهار ستون که دیوارهای آن با نقوش برجسته و متون مذهبی پوشیده شده‌اند. نقوش برجسته شاه را نشان می‌دهد که چگونه برای خدایان مختلف مصر (پانتئون^{۴۹}) جام‌های پر شراب پیشکش می‌کند. کتیبه‌ها حاوی دو سرود مذهبی بلند خطاب به آمون^{۴۳} است. این کتیبه‌ها به علت ویژگی نیمه‌فلسفی و نیمه‌افسانه‌ای‌شان از اهمیت زیادی برخوردارند. یکی از معروف‌ترین سرودها سرود خورشید است که به داریوش اول منسوب می‌شود. نکته قابل توجه دیگر اینکه در کنار چارچوب در به سمت سالن بعدی حروف به اصطلاح رمزی و مبهمی نیز وجود دارد.

۳. تالار ورودی‌ای که چهار ستون در سمت شمال و جنوب خود دارد و به دو انبار کوچک منتهی می‌شود، این انبارها برای نگهداری جواهرات، لباس‌ها، و لوازم قربانی و معبد است. همچنین یک دخمه برای اجرای مراسم معین و خاص تکریم و بزرگداشت پادشاه مرده و مدفون شده در زیرزمین (اوزیریس) موجود است و نیز پلکانی که به بام معبد منتهی می‌شود. در دیوار شمالی معبد سه در بزرگ وجود دارد، یکی در راهرو ستون‌دار، یکی در سالن قربانی و یکی در عبادتگاه مکان مقدس.

۴. مکان مقدس (عبادتگاه) در قسمت غربی در جهت طولی ساختمان قرار گرفته است؛ نقوش دیوارهای آن برای شناخت اسطوره‌های مصری بسیار مهم است. این نقوش همه خدایانی را که در این دوره در مصر تکریم و ستایش می‌شدند، در اشکال و هیبت‌های گوناگون نشان داده است. در قسمت جنوبی این مکان مقدس، دومین راهروی زیرزمینی و دو پلکان، که به بام معبد منتهی می‌شود، وجود دارد که از این راهرو به اتاق‌هایی راه است که به رازهای اوزیریس اختصاص یافته‌اند و با کتیبه‌ها و صحنه‌هایی تزیین شده که در ارتباط با مراسمی است که هر ساله

42. Pantheon

43. Amon

44. Wijngaarden, W. D. Van. Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde, P.70.

45. Busirs. Elkab. Edfu, Hibis

46. Gropp, Gerd, Ein Porträt des Königs Darius I. im Hibis- Tempel, P. 46.

47. W. D. Wijganrden

48. Wijngaarden, W. D. Van. Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde, P. 71.

الخارقه ساخته شد. معبد دیگری نیز که به کوچک‌تر بوده و به طور موقت در دوران فرمان‌روایی پارس‌ها طبقه‌بندی می‌شود در واحه الخارقه^{۵۴} کشف شده است.^{۵۵} طبق بررسی نظرخانم کارل ملیسویچ^{۵۶}، باستان‌شناس آلمانی، روی دیوار معبد هیبیس چنین حک شده بوده است: داریوش دستور داد برای بزرگداشت و تکریم خدایان مصری معبدی مجلل و با شکوه بسازند. این بنای مذهبی، که در واحه الخارقه دور از مراکز بزرگ مذهبی واقع شده بود، به نحو جالب توجهی تنها اثر مذهبی بزرگ اواخر دوره متأخر تاریخ مصر است که تا زمان ما سالم به جا مانده است.^{۵۷} کی‌نایت^{۵۸} در تاریخ سیاسی مصر از قرن هفتم تا چهارم قبل از میلاد در مورد معبد هیبیس چنین گزارش می‌شود: بدون تردید داریوش حداقل به معابد مصری بخشی از درآمدشان را بازگردانده است. این سیاست در ساختن معابد مصری در دوره داریوش هم ادامه پیدا کرد. البته کار اصلی او ساخت معبد بزرگ آمون^{۵۹} در واحه الخارقه مصر بوده است.^{۶۰} دی. آرنولد، معمار و باستان‌شناس آلمانی، در این مورد چنین اظهار نظر کرده است: معبد آمون در واحه الخارقه در ساحل قدیمی دریا به ابعاد ۶۲ × ۲۷/۴ متر، که سالم و خوب و سرپا تا کنون بر پا مانده است، احتمالاً در دوران سائیت‌ها یا پسامتیک دوم ساخته و در زمان داریوش اول و دوم تزیین شده است. در نمای معبد، شکل اولیه یک پرونوس^{۶۱} راهرو ستون‌دار مسقف با چهار ستون وجود دارد که پایروس به آنها پیچیده شده و قفسه‌های دیواری در آن قرار دارد «ت ۹». اتاق قربانی با مکان مقدس الهه و فضاهای جانبی با پلکان به سایر بناهای معبد دسترسی پیدا می‌کند. یعنی اینها با فضاهای اجرای مراسم مذهبی در طبقه فوقانی ارتباط دارند.^{۶۲} براساس مطالعه و بررسی والتر هینتس آلمانی^{۶۳} معبد هیبیس، که با سنگ ماسه اجرا شده است، اثری از داریوش است که در نتیجه اقامت داریوش در واحه الخارقه در سال ۴۹۶ پیش از میلاد ساخته شده است. معبد ۴۴ متر طول و ۱۹ متر عرض دارد و اتاق‌ها براساس الگوی معابد مصری ساخته شده است. در

معبد هیبیس (براساس ت ۶) قائل می‌شود و آن را به صورت زیر مطرح می‌کند:

– مرحله اول: پادشاهان سائیت پسامتیک دوم^{۴۹} معبد را ساختند و اتاق‌های آن را تزیین کردند، ولی مکان‌های M همراه با H1 و H2، و سرسرا به ورودی اصلی داخلی و بیرونی ناتمام ماند. – مرحله دوم: داریوش اول معبد را نوسازی و ورودی اصلی و داخلی و بقیه راهروها (به جز در موقعیت M به سمت B) را تزیین و دیوار حایل بین M و N را تکمیل می‌کند، نیز H2-H1 و دیوار بیرونی غربی را تزیین و ستون‌های نزدیک ستون B را رنگ‌آمیزی می‌کند، به این مرحله در نوشته روی کتیبه دیوار، که نزدیک ستون M و بقایای غربی به سمت در L متعلق به داریوش اول پیدا شده، اشاره می‌شود.

– مرحله سوم: داریوش دوم دیوارهای شمالی و جنوبی بیرون معبد هیبیس و بقیه راهروی M به سمت B را تزیین و در کتیبه بیرون معبد، داریوش دوم هخامنشی این نوسازی و مرمت را توصیف می‌کند.

– مرحله چهارم: آکاوریس^{۵۰} سقف‌های ستون‌دار موقعیت N را می‌سازد و دو مجسمه در داخل آن نصب می‌کند.

– مرحله پنجم: نکتنانیوس اول و دوم گذرگاه و دهلیز ستون‌دار را می‌سازند و تزیین می‌کنند.^{۵۱}

در دوران فرمان‌روایی هخامنشیان تجارت با سودان به اوج قابل توجهی رسیده بود. محصولات سودان از ارزش زیادی برخوردار بود و مسیر بزرگ این تجارت از دره نیل به سمت دارفور^{۵۲} در سودان، که اکنون به آن راه چهل‌روزه گفته می‌شود، از این واحه می‌گذشت. در پایتخت آن زمان واحه هیبیس، انبار کالا و نیز پادگان نظامی هم در کنار آن قرار داشت که باید از کاروان‌هایی که از نقاط دور سودان کالا می‌آوردند، محافظت می‌کرد. بنابراین، معبد هیبیس در موقعیت جغرافیایی مهمی از نظر تجاری و نظامی ساخته شده بود.^{۵۳} شاید شناخته‌شده‌ترین شاهد معبد هیبیس باشد که در زمان داریوش اول در واحه

49. Psmmetich II

50. Achoris

 51. EugeneCruz Uribe, *Hibis Temple Project*; P. 230.

 53. Wijngaarden, W. D. Van. *Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde*, P. 72.

54. Manawir Ain

 55. Aston, D. A. ., *The shabti Box, A Typological Study*, OMRO 74-44, P. 17.

56. Mysliwicz

 57. Karol Mysliwicz, *Herr Beider Länder*, P. 182.

58. kienite

59. Amont

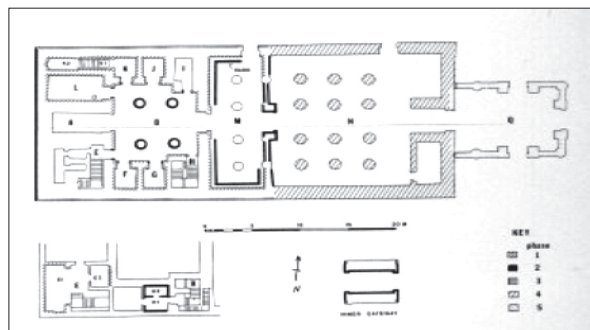
60. Kieinitz 1953: 62

61. Pronos

 62. Dieter Arnold, *op cit*, P. 48.

63. W. Hinz

ت ۶ نقشه کل بناهای معبد
هیبیس براساس تقسیم‌بندی
برنامه باستان‌شناسی معبد



ورودی غربی به سمت اتاق L به کتیبه در ستون M. و کتیبه روی دیوار شمالی بیرونی مربوط می‌شود. هر کدام از این‌ها تنها به «بازسازی» داریوش ارتباط پیدا می‌کند. ای. کورس اوریبه کتیبه A را با تلاش‌هایی مرتبط می‌داند که برای تزئین دیوار حائل بین ستون‌های M و N، اتاق‌های H1 و H2 و دیوار غربی بیرونی و راهروی داخلی صورت گرفته است. کتیبه تزئینی به آرایه‌های دیوارهای بیرونی شمالی و جنوبی مربوط است.^{۶۰} کتیبه ستون M با بقایای راهروهای اتاق‌های جانبی ستون B از نظر تصویرسازی و حکاکی قابل مقایسه است. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که نام داریوش روی نمای بیرونی معبد نوشته شده است. تمایز در کارتوشه‌ها و قاب‌های بیضی شکل داریوش در داخل و در خارج از معبد به فرضیات زیادی منجر شده است که آثار داریوش اول یا داریوش دوم را در معبد هیبیس می‌توان اثبات کرد. آنچه در این بحث مهم است این امکان است که دو پادشاه (داریوش) دستور ساخت این معبد را داده‌اند. اختلاف در اسم‌های کوچک، در دو محلی که در معبد یافت شده است، به این معناست که یا داریوش نام خود را در طول دوران فرمان‌روایی خود در مصر تغییر داده یا اینکه باید دو پادشاه (داریوش) متفاوت را بررسی کرد. اولین گواهی مبتنی بر آن است که پارس‌ها به امور مذهبی مصر بیشتر از آنکه تاکنون تصور می‌شده است، توجه و دقت داشتند. همین‌طور به این مفهوم است که داریوش اول بعد از خلعی ده ساله دستور

فاصله ۱۲ متری از دیوار شرقی سرسرا یک در ورودی کوچک‌تر قرار دارد که سالم و خوب باقی مانده و سرتاسر آن با تصاویر و کتیبه پوشیده شده است^{۶۴} در زمان سلطنت هاکوریس^{۶۵} در دوره بیست‌ونهمین سلسله تاریخ مصر به جای حیاط ستون‌دار مورد انتظار یک راهرو ستون‌دار مسقف وجود دارد که جلوترین ردیف‌های ستون آن با در ورودی مسدود نشده بوده است. نکتانبئوس اول و دوم معبد را با دیوار سنگی محصور کردند. این حصار سنگی در جلو به اطاقک یا بنای هشت ستونی منتهی می‌شود. به دلیل فاصله زیاد ۷/۴ متری ستون‌ها اطاقک فقط با تیرک‌های چوبی پوشیده شده است.^{۶۶} روی لولای در ورودی کتیبه‌ای به خط میخی پارسی نوشته شده است: داریوش شاه بزرگ شاه شاهان. داریوش دوم معبد را در سال ۴۲۴ بازسازی و تکمیل کرد.^{۶۷} به‌وضوح چنین فهمیده می‌شود که این اثر به دست معماران و پیشه‌وران مصری در دوره حاکمیت پارس‌ها در مصر ساخته و اجرا شده است. آیا چیزی مشابه این یادمان معماری به دوران فرمان‌روایی هخامنشیان تعلق دارد؟ هخامنشیان این بنا را به‌مثابه بنای یادبود دوره فرمان‌روایی خود در واحه الخارقه از خود به جا گذاشته‌اند. به‌وضوح در کتیبه‌های داریوش اول از او با عنوان معمار معبد هیبیس در الخارقه نام برده شده است.

همان‌طور که از متن این کتیبه‌ها برمی‌آید داریوش اول این معبد را از سنگ‌های سفید زیبا ساخته و سقف‌های آن را با چوب اقاقایی لیبایی و مرغوب آسیایی پوشانده است و این مطلب قابل توجه است که در واحه بزرگ مصر یک عبادتگاه مجلل و باشکوه برای یادبود دو پادشاه ایرانی داریوش اول و داریوش دوم پا برجا مانده است، در حالی که در مصر هیچ ساختمان عمومی از دوران فرمان‌روایی هخامنشیان تاکنون یافت نشده است.^{۶۸} ای. کورس اوریبه^{۶۹} مسئول برنامه باستان‌شناسی و مرمت معبد هیبیس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگر همه این اطلاعات را حفظ کنیم، خطوط هیروگلیف در مورد تجهیز و تزئین معبد چه چیزی برای گفتن خواهد داشت؟ اصولاً مهم‌ترین اشاره‌ها به

64. Walther Hinz, *Darius und die Perser*, P. 216.

65. Hakoris

66. Dieter Arnold, op cit, P. 48

67. Walther Hinz, op cit, P. 216.

68. W. D. Van Wijngaarden. *Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde*, P. 71.

69. E. C. Uribe

70. Eugene Cruz Uribe, *Hibis Temple Project*, P. 228.



ت ۷. آثار معماری و بخشی از آثار باقی مانده از معبد خنوم در جزیره الفانتین، مأخذ: Ikinson, Richard, 2000, P212

حالی که هر یک از ثبتهای دیوار حائل قاب و یک کارتوشه خالی را نشان می دهد. در مورد ستون B و اتاقهای جانبی برخی قابها و کارتوشهها که حکاکی شدهاند فقط روی ستون چوبی یافت می شوند. در کلیه موارد دیگر قابها یا کارتوشهها خالی یا رنگ شدهاند. با وجود اینکه هیچ کدام از قابها و کارتوشههای عبادتگاه اثر رنگی یا حکاکی شدهای، که روی آنها باقی مانده باشد، ندارند، باید گفت که کارتوشههای رنگ و نقاشی شده همگی رنگ آبی ساده خود را حفظ کردهاند. در مواردی که آبی رنگ پریده و پوسته پوسته شده است هیچ رنگی در میان آنها وجود ندارد. رنگ قرمز زیر رنگ آبی و کتیبه هیروگلیفی را از طریق دو احتمال می توان توضیح داد.^{۷۵}

۱. هنرمندی که روی علامت نقاشی کرده است، برای اینکه اندامها را بزرگ طراحی کند از رنگ قرمز استفاده کرده و سپس روی آنها را آبی رنگ زده است.
۲. دو هنرمند در این کار دست داشتهاند، اولی قرمز رنگ کرده و هنرمند دوره بعد روی آن را با آبی رنگ کرده است. بنابراین

تزیین بیرون معبد را داده است. این ترتیب زمانی از عقیده و نظر پوزنر^{۷۱} فرانسوی پیروی می کند، یعنی نام داریوش اول تا بیست و پنجمین و بیست و ششمین سال فرمانروایی اش (۴۹۶-۴۹۵ ق. م) درویش^{۷۲} بوده است. بعد از آن اما به تریوز^{۷۳} تغییر پیدا کرده، زیرا (Daryi avanaus , ntryws) با پارسی باستان هخامنشی، که در طول مدت فرمانروایی داریوش اول مرسوم و متداول بود، مطابقت می کند.^{۷۴}

شرح کارتوشههای داریوش اول بر دیوارهای معبد هیبیس

به طور کلی قابهای بیضی شکل یا کارتوشههای داریوش فقط روی دیوارهای بیرونی و قسمت های ستون ها حکاکی شده است. در مورد ستون M قسمت کف دو فهرست دارد که به طور معمول تنها ستون های حکاکی شده را در اختیار آن است. برخی استثناها نیز وجود دارد: فهرست بالایی ستون های ۳۰، ۳۴ و ۳۵ قابها و کارتوشههای حکاکی شده داریوش است، در

71. Posners

72. dryws

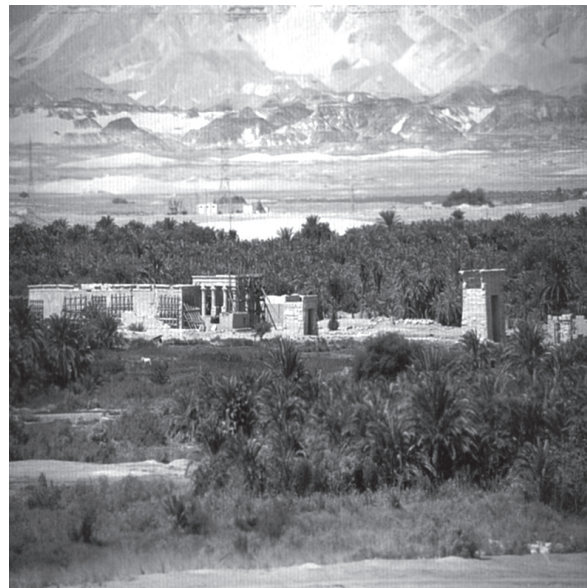
73. ntryws

74. Eugene Cruz Uribe, op cit, P. 230.

75. Ibid, P. 226.

ت ۸. (راست) دورنمای معبد هیبیس، مأخذ: Willeitner, Joachim, *Die ägyptischen Oasen*

ت ۹. ورودی ستون‌دار معبد هیبیس



فردی می‌دادند.^{۷۸} دیوارهای معابد و مکان‌های مقدسی که با نقوش برجسته تزیین شده‌اند برای شناخت ما از اساطیر مصر باستان بسیار مهم‌اند؛ آنها نشان‌دهنده همهٔ خدایانی هستند که اشکال گوناگونی که به خود گرفته‌اند در این دوره در مصر مورد پرستش و تقدیس بوده‌اند. در سمت جنوب این محراب معبد هیبیس، دخمه و پلکانی هست که به بام منتهی می‌شود. این راه به اتاق‌هایی می‌رسد که برای اوزیریس اسرارآمیز تعیین و با صحنه‌ها و کتیبه‌هایی مزین شده و این تزیینات به مراسم هرساله‌ای مربوط است که در جشن‌های یادبود، خاکسپاری و رستاخیز اوزیریس برپا می‌شد. دیوارهای بیرونی معبد هم با نقوش برجسته‌ای پوشیده شده‌اند و پادشاه را در حالی که قربانی را می‌آورد و مراسم را در مقابل خدایان گوناگون اجرا می‌کند، نشان می‌دهد. در واقع در سمت غربی ساختمان روی دیوار پشتی تصویر جالبی از داریوش اول هخامنشی به سبک مصری بدون نشان مار یا سمبل پادشاهی بر پیشانی، که علامت معروف شأن و منزلت پادشاهی است، نشان می‌دهد. البته به جای آن سر

و باتوجه به این وضعیت نتیجه‌گیری می‌شود که داریوش مثل هوروس^{۷۶} خدای مصری هیچ نام (mn- h- ib) مستعاری نداشته و هنرمند دوم به راحتی روی نام هوروس حکاکی شدهٔ فرعون قبلی را رنگ زده است.^{۷۷}

نقش برجسته‌های داریوش اول در معبد هیبیس

بر دیوارهای معبد هیبیس نقش برجسته‌های داریوش اول، شاه هخامنشی، چند جا کاملاً به شکل فراعنهٔ مصری حجاری و نشان داده شده است. اما غیر از معبد هیبیس فقط در یک جا پرتره و نقش برجستهٔ داریوش وجود دارد. به نظر می‌رسد دلیل این امر آن است که هنرمندان در طول ده‌ها سال هیچ موقعیتی نداشته‌اند تا وضع ظاهری چهرهٔ داریوش فرمان‌روای مصر را ببینند و بررسی کنند. به دلیل اینکه او دور از مصر و در ایران اقامت داشته است. وقتی داریوش در سال‌های آخر حکومت خود به مصر رفته این امکان بلافاصله فراهم شده است. نکتهٔ مهم دیگر آن که مصریان از دورهٔ پادشاهی میانه پادشاهان خود به مجسمه‌هایی که از خدایان مصری می‌ساختند جنبهٔ

76. Horus

۷۷. همان

78. Gropp 1990: 46

یعنی داریوش اول تا داریوش سوم هر سه در ساخت و بنای این عبادتگاه سهیم باشند.^{۸۳}

تشریح صحنه نقش برجسته‌های داریوش در معبد هیبیس واقع در واحه الخارقه

۱. در اولین صحنه به مثابه نماد اتحاد دو کشور ایران و مصر داریوش اول بر تخت نشسته و خدایان هارزیس (هوروس پسر ازیس) با سری به شکل شاهین در مقام فرمان‌روای هرموپلیس مجریان اوامر و خواست‌های شاه هستند. همچنین پیش پاهایشان دو تجسم مینیاتوری از نیل نشان داده شده است. «ت ۱۰»

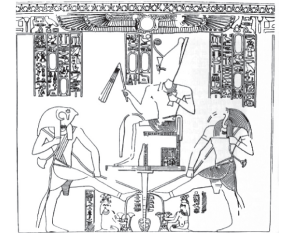
۲. در دومین صحنه پادشاه را به صورت کودکی عریان می‌بینیم که روی چرخ کوزه‌گری نشسته است. یک فرمان‌روا به دست خدایی که سر شاهین شکل دارد، برای ولی‌نعمت خود روی چرخ کوزه‌گری به کوزه‌ای شکل می‌دهد. در عین حال خدای نگهبان و محافظ ممفیس پیشه‌وران و هنرمندان به او کمک می‌کند.^{۸۴}

۳. در صحنه دیگر داریوش اول را می‌بینیم. این صحنه از قبل برای ما شناخته شده است، با درخت اشید^{۸۵} که روی برگ‌های آن نام خدای تت^{۸۶} را می‌نویسد. پشت سر پادشاه خدای آنوم^{۸۷} است که تاج دوتایی مصر علیا و سفلا را بر سر دارد و در روی تخت با دست چپ برای پادشاه نشانه زندگی را نزدیک دهان نگه داشته و با دست راست همان تاج آبی مصر را، بنابراین به رویدادهایی نظیر تاج‌گذاری و پیروزی فرعون مربوط می‌شود.^{۸۸}

«ت ۱۳».

۴. روی دیوار غربی، و دیوار پشتی معبد نقش مراسم تاج‌گذاری (Setut - Ra) را می‌بینیم که بایستی تزیین می‌شد. این نقش گویای این مطلب است که تاج‌گذاری داریوش بدون شک در پایتخت ممفیس و نزدیک معبد Ra خدای خورشید در هلیوپولیس^{۸۹} برگزار شده است، زمانی که بالاخره پادشاه تصمیم گرفت در سفری از ساتراپی ثروتمند خود مصر بازدید کند.^{۹۰}

با زیورآلات خاصی پوشیده شده که شبیه کلاه است. مصریان با این زیورآلات مخصوص آثار و ابنیه، خراجگزاران و استانداران پادشاهان آشوری را نیز به نمایش می‌گذاشته‌اند. جالب است بدانیم داریوش اول خود را به نام کوچک استور^{۹۱} می‌نامیده، نامی که به ندرت از آن استفاده می‌شده است.^{۸۰} این معبد در واحه الخارقه اگرچه به نام معبد آمون معروف شده، در آن خدایان دیگر مصر هم تکریم می‌شده‌اند و صحنه‌هایی در آن وجود دارد که جزو مراسم خدایان نیز بوده است. این هم تبلیغی برای پادشاهان بوده است. تقریباً در همه صحنه‌ها داریوش در مقام فرعون همراه با الهه‌های مصری نشان داده شده است. یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین موضوعات در صحنه‌های نقش برجسته‌های داریوش در معبد هیبیس به اعاده نمادین اتحاد مصر علیا و سفلا مربوط می‌شود. داریوش در حالی که روی تخت سلطنتی نشسته است دیده می‌شود.^{۸۱} جی. گروپ، ایران‌شناس آلمانی، معتقد است: اختلاف در القاب و عناوین شاهی در معبد هیبیس به تفسیرهای گوناگونی در دهه‌های اخیر منجر شده است، به همین دلیل باید در اینجا مختصراً به آن پرداخته شود. براساس بررسی‌ها و مطالعات در معبد هیبیس برای یک فرعون پانزده نام پیدا شده است که از آنها دو نام Nesutibiti و Sara در کارتوشه‌ها و قاب‌های بیضی شکل طویل نوشته شده است. در کارتوشه Sara در هیبیس نام داریوش به شکل اینتاریوس^{۸۲} آمده است؛ این امر شیوه نوشتاری و مشکلات گسترده مربوط به نام‌های ایرانی را به مصری به‌وضوح نشان می‌دهد. از فراوانی مستندات تاریخ‌دار می‌توان استنباط کرد که این شیوه نگارش در بیست‌وهفتمین سال حکومت داریوش (۴۹۵ ق م) معمول شده است. از آنجا که این شیوه نگارش در معبد وجود دارد، ساخت بنا باید از این تاریخ شروع شده باشد. Nesutibiti روی دیوارهای معبد سه نام متفاوت را شامل می‌شود، به همین دلیل این احتمال وجود دارد که نام سه شاه در معبد هیبیس باشد،



ت ۱۰. نقش برجسته داریوش روی دیوار معبد هیبیس، مأخذ: Karol Mysliwiec, *Herr Beider Länder*, p. 183

ت ۱۱. نقش برجسته داریوش به شکل خدایان مصری در معبد هیبیس، مأخذ: Ibid, p. 187

79. Setture

80. W. D. Van. Der Wijngaarden, *ibid*, p. 71.

81. Karol Mysliwiec, *Herr Beider Länder*, p. 183.

82. Intarius

83. Gerd Gropp. *Ein Porträt des Königs Darius I. im Hibis-Tempel*, p. 47.

84. Karol Mysliwiec, *op cit*, p. 183.

85. Isched

86. thot

87. Atum



ت ۱۲. نقش برجسته داریوش روی دیوار غربی معبد هیس، مأخذ: Gropp, Gerd, Ein Porträt des Königs Darius I. im Hibis-Tempel, p47

ت ۱۳. نقش برجسته داریوش روی دیوار معبد هیس در پناه خدایان مصری، مأخذ: Karol Mysliwicz, Herr Beider Länder, p 187

۸۸. Heliopolis همان، ص ۸۹.
90. Gerd Gropp, op cit, P. 47.
91. Mysliwicz, Karol, op cit, p. 184.

۹۲. همان
93. Gropp, Gerd, op cit, P. 48.
94. Karol Mysliwicz, op cit, P. 18.

۹۵. جواد شکاری نیری، زمینه‌های تأثیر هنری و معماری حوزه‌های

تأثیر هنر مصر بر هنر معماری هخامنشی

تردیدی نیست که هنرمندان و معماران و جاران و نجاران مصری در ساخت بناهای تخت جمشید و شوش نقش مؤثر و پراهمیتی داشته‌اند، زیرا مصریان در ساختن بناهای سنگی به‌ویژه تالارهای ستون‌دار سنگی، مانند معبد آمون در کارناک، استادان چیره‌دستی بودند و علاوه بر اشاره کتیبه‌های متعدد نشانه‌ها نیز بر استفاده از تجارب معماران و هنرمندان مصری در کنار هنرمندان ملل دیگر دلالت دارد که نقش هنرمندان مصری در این زمینه مهم‌تر بوده است. این موضوع را می‌توان در اجزای معماری و نیز برنامه‌ریزی مجموعه‌ها مشاهده کرد. یکی از تأثیرات مهم هنر معماری مصری کاربرد سردرهای سنگی است که در بسیاری از کاخ‌های تخت جمشید مشاهده می‌شود.^{۹۵} آنان در گاه‌های سنگی تزئینی و شیارهای مدور افقی را به طرف درگاه می‌افزودند. این درگاه‌های سنگی اولین بار در منطقه دجوسر^{۹۶} مصر به وجود آمده است. این برآمدگی‌های لبه درگاه‌ها در معماری باستان مصری از آجرها و تیرهای چوبی ساخته می‌شده است. تیرهای چوبی مدور بعدها پایه‌های چهارگوش ستون‌ها را به وجود آورد. طبق متن اهدائی، آنها در مصر ساخته شده‌اند. به‌علاوه، این نوع کار معماری مخلوطی از سبک‌های هنر معماری مصری و ایرانی را نشان می‌دهد. این عناصر معماری و تزئینی در ساختمان‌های تخت جمشید بین ۵۲۱ و ۴۸۴ قبل از میلاد ظاهر شده است. به نظر آرنولد، در مورد منشاء تزئین درگاه‌های سنگی مصری، اولین درگاه سنگی قدیمی در انتهای فوقانی یک معبد در مصر ساخته شده است. این درگاه به‌سرعت بر معابد هرمی شکل و تابوت‌های سنگی منقوش و بعداً بر برج‌ها، درها، ستون‌ها و قفسه‌های دیواری گسترش پیدا کرد.^{۹۷} عامل جدیدی در تزئین معماری نمای ساختمان‌ها در دوره هخامنشی، به‌ویژه در تخت جمشید، گچ‌بری مقعر کتیبه‌هاست، که ابتدا در کاخ داریوش مشاهده شد.

۵. در صحنه دیگر مثلاً شاه (داریوش) را در حال ورود به معبد نشان می‌دهد، در حالی که در جایی تاج مصر علیا و در جای دیگر او تاج مصر سفلا را بر سر دارد. در صحنه‌های دیگر الهه جرئت و شجاعت به داریوش جوان شیر می‌دهد و، در تقابل با این صحنه، در صحنه‌های الهه آمون پادشاه بالغ را با بازوان بلند در بر گرفته است.^{۹۱}

۶. در صحنه‌های دیگر خدایی با شکل عقاب بال‌دار مار بسیار بزرگی را با نیزه می‌کشد. پادشاه (داریوش) یک تاج دونشان (نشان مصر علیا و مصر سفلا) بر سر دارد و بال‌های او از پشت یک عقاب (شاهین) نشوونما کرده است. علاوه بر این، دو تصویر عقاب با بال‌های گشاده، با قرص خورشید بر سر، پشت تنه خدا (داریوش) را مزین می‌کنند.^{۹۲} «ت ۱۱».

۷. در صحنه‌های دیگر، روی تصویرهای نقش برجسته قدیمی‌تر، هنرمند به هیئت پادشاه جنبه پرت‌گونه داده است. در نیمه چپ تصویر، داریوش در حال قدم زدن است و نیروی زندگی اش ka و الهه Isis او را همراهی می‌کنند. او به سمت خدای نشسته روی تخت (Amun-Ra) از کارناک و هییس، زوجه‌اش الهه شجاعت (ashet) از هییس و آسار و پسرشان (khonsu) با دست‌های افراشته میوه‌های روی هم‌انباشته واحه را به آنها تقدیم می‌کند، در حالی که ایسیس آب را روی زمین می‌ریزد.^{۹۳}

۸. در این نقش برجسته حالتی خاص وجود دارد. به چنین تجمعی از انسان‌ها و پیکره‌های حیوانی و مخلوقات خیالی متعدد، مدال‌ها و نمادها در هیچ یک از معابد معروف مصری برخورد نمی‌کنیم. در میان خدایانی که پادشاه برای آنها قربانی پیشکش می‌کند، خدایان جنگ‌جو با تیر و کمان و تیردان (ترکش) حضور دارند. در جای دیگر او برای مجسمه الهه Matt قربانی می‌کند؛ به عبارت دقیق‌تر، برای دو خدا که یکی از آنها با پیکر عقابی شکل و دومی شیری است که با کله قوش (عقاب) نشان داده می‌شود.^{۹۴}

می‌کند. همچنین می‌توان اضافه کرد که طاقچه‌های معبد هیبیس نشان‌دهنده تزیین نوعی کانال است که ابتدا در ایران در قسمت انتهایی بناهای داریوش به سبک مصری ظاهر شده است. بالاخره شکی وجود ندارد که پادشاه برای معماران مصری به همان نسبت احترام قائل بود که به هنرمندانی که در شوش و تخت جمشید مشغول به کار بودند.^{۱۰۰}

از تأثیرات دیگر هنر معماری و هنر تزیینی مصری می‌توان به حجاری یک تاج گل روی سنگ در تخت جمشید اشاره کرد که در پایین‌ترین قسمت نقش برجسته‌ای از یک تاج گل از برگ‌های آویزان شده روی سرستون نیز وجود دارد و به نظر می‌رسد الگوی هنر مصری را تداعی می‌کند؛ البته بدون اینکه با سرستون‌های مصری قابل مقایسه باشد.^{۱۰۱} از تأثیرات مهم تزیینی مصر گل لوتوس، یا نیلوفر آبی، یکی از فراوان‌ترین عناصر تزییناتی است که در معماری و دیگر هنرهای بسیاری از تمدن‌ها دیده می‌شود. در حجاری و دیوارنگاره‌ها و نیز در طرح سرستون‌ها مصریان از شکل گل لوتوس و نیز پایپروس استفاده کرده‌اند که این نفوذ هم روی بدنه ستون‌ها و هم سرستون‌ها و نیز روی نقوش لباس‌ها به‌ویژه در کادربندی حجاری‌های تخت جمشید به طور وسیع دیده می‌شود. در هنر آشور نیز کاربرد وسیع گل لوتوس مشاهده می‌شود.

استفاده از اسفنگس به صورت موجودات افسانه‌ای با ترکیبی از بدن انسان و حیوان یکی دیگر از عناصر مشترک در تمدن‌های مصر، بین‌النهرین و ایران است که کاربرد آن در معماری مصر قدمت بیشتری دارد و مجسمه ابوالهول، که قدمت آن به زمان خفرن سازنده دومین هرم بزرگ جیزه می‌رسد، موجودی با بدن شیر و سر انسان با طول بدن ۷۳/۲ متر و ارتفاع ۲۰ متر است، عرض صورت مجسمه یک‌چهارم متر یکی از عظیم‌ترین مجسمه‌های ساخت دست بشر است.^{۱۰۲}

از نمونه‌های دیگر تأثیرات هنر معماری و تزیینی مصری در هنر هخامنشی می‌توان به نمونه کارهای جدید در تزیین نما،

درست مانند فرم ظریف و جدیدی که بر اثر برخورد‌های مکرر با الگوهای مصری در زمان داریوش به نماد قدیمی قرص خورشید بال‌دار داده شده بود، این کتیبه‌ها نیز قابل پی‌گیری نسبت به نفوذ هنر مصری در ایران دوره هخامنشی است. شاید اقامت داریوش در مصر و بنای معبد آمون، که وی در معبد هیبیس در صحرای الخارقه برپا کرد، توجه داریوش را به معماری مصری برانگیخته باشد.^{۹۸} مصریان در طرح سرستون‌های خود از برگ نخل و شکل گیاه پایپروس و گل لوتوس زیاد استفاده کرده‌اند و در هنر هخامنشی در شکل سرستون‌ها از این ترکیب سرستون‌های مصری استفاده شده است. ضمن اینکه سرستون‌های ایرانی ترکیبی ظریف‌تر و پیچیده‌تر و تناسبی قوی و منطبق با مقیاس‌های فنی دارند.

عالی‌ترین ساختمان هخامنشی تالار وسیع آپاداناست. این نوع تالار ستون‌دار در ایران و جاهای دیگر مانند مصر متداول بوده است. تصور کنید که سقف تالار آپادانا، با یک‌چهارم هکتار مساحت، فقط روی ۳۶ ستون قرار گرفته و فاصله ستون‌ها از یکدیگر ۹ متر و سطحی که اشغال کرده‌اند یک‌ششم سطح آزاد است، در صورتی که در پاسارگاد کمی بیش از یک‌چهارم است و در کارناک مصر به‌زحمت به نیم می‌رسد.^{۹۹} در مقایسه طرح‌های معابد داریوش در مصر و در کاخ محل اقامت او در تخت جمشید برخی شباهت‌ها را نمی‌توان انکار کرد که ممکن است کمتر از چیزی که در نگاه اول به نظر می‌رسد، سطحی باشد. ایوان ورودی معبد هیبیس در واحه الخارقه مطابق دهلیز مقر تخت جمشید بوده است، البته در بناهای قبلی ردیف بیرونی در یک دیوار میانی قرار داده شده بود، که در عصر داریوش نمای معبد بوده است. در هر دو ساختمان راهروی ورودی ستون‌دار به راهرو ستون‌دار مرکزی منتهی می‌شود که اتاق‌ها آن را از سه طرف احاطه کرده‌اند. فضاهای معبد از عبادتگاه‌ها، جایگاه مقدس و واحدهایی مبهم تشکیل می‌شود، در حالی که در کاخ ایرانی تخت جمشید محل سکونت پادشاه را راهرو احاطه

تمدنی آفریقا و ایران در طول

تاریخ هخامنشیان، ص ۳۰.

96. Djoser

97. Dieter Arnold, op cit, P. 69.

۹۸. ایدت پرادا، (با همکاری رابرت دایسون)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، ص ۲۲۳.

۹۹. جواد شکاری نیری، زمینه‌های تأثیر هنری و معماری حوزه‌های تمدنی آفریقا و ایران در طول تاریخ هخامنشیان، ص ۳۱.

100. Erich, F. Schmidt, *Persepolis*, P. 26.

101. Edith Porada, *Alt-Iran- die Kunst in Voelamischer Zeit*, P. 150.

۱۰۲. جواد شکاری نیری، همان، ص ۳۱

از سبک و طرح‌های هنری مصری اقتباس و بهره‌برداری کرده‌اند مصری‌ها متقابلاً چیز زیادی از هنر ایران اقتباس نکرده‌اند. سبک و اثر هنر مصری در کاشی‌کاری و حجاری‌های کاخ‌های ایرانی به چشم می‌خورد. ولی نفوذ ایران بر سلسله بیست‌وهفتم مصر به‌جز در مجسمه‌سازی قابل توجه نبوده است. معرف نفوذ هنر هخامنشی تعدادی نقش شیرهای کوچک در تل‌المقدم است که روی پا بلند شده‌اند. مصری‌ها تا قبل از این تاریخ با این سبک آشنایی نداشته‌اند.^{۱۰۷}

نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های باستان‌شناسی و تحقیقات میدانی چند نمونه آثار معماری در کشور مصر با عنوان آثار معماری هخامنشی شناسایی و معرفی شده است. این آثار شامل یافته‌های معماری جزیره الفانتین و همچنین مجموعه معبد هیبیس در واحه الخارقه و نمونه‌های دیگری از بناهای آرامگاهی و مذهبی است که به این دوره از تاریخ مصر تعلق دارد. بیشتر این آثار معماری در دوره داریوش اول در مصر احداث شده است، که تأثیر آنها در سبک و شیوه معماری این دوره در آثار معماری دوره هخامنشیان در داخل ایران نیز قابل ملاحظه است. چنانچه در مقایسه هنر معماری تخت جمشید شباهت آن به معماری معبد هیبیس در واحه الخارقه کاملاً محسوس است. بنابراین به نظر می‌رسد، شیوه و هنر معماری مصری در هنر معماری هخامنشی به‌ویژه در تحت جمشید تأثیر بیشتری نسبت به سایر ملل تحت سلطه امپراتوری هخامنشی داشته است.

کتاب‌نامه

بریان، پیر، *امپراتوری هخامنشی*، ترجمه مهدی سمسار، تهران: نشر زریاب، چاپ اول، ۱۳۷۸.
 _____، *امپراتوری هخامنشی*، ترجمه ناهید فردغان، جلد اول، تهران: نشر فرزاد، چاپ اول، ۱۳۸۱.

مانند طاقچه‌های کنده‌کاری‌شده‌ای اشاره کرد که ابتدا در کاخ داریوش در تخت جمشید و شوش یافت شده است. در عین حال فرم ظریفی که در تخت جمشید به نماد قدیمی قرص خورشید پره‌دار داده شده، بیشتر با نمونه‌های هنر معماری و تزیینی مصری قابل مقایسه است.^{۱۰۳} بنابراین، در عرصه‌های آثار هنری به‌ویژه در معماری، مجسمه‌سازی و نقش‌برجسته‌ها، هنرمندان ایرانی دوره هخامنشی گسستی اساسی با سنت‌های هنری مصری ایجاد نکردند. چنان‌که داریوش اول معبد هیبیس در الخارقه را به سبک سائیتیک ساخت که سبکی کاملاً مصری است، همچنین لوحه‌ها و سنگ‌قبرها متعلق به سلسله بیست‌وهفتم هم کاملاً تحت تأثیر هنر مصری ساخته شده است. چنان‌که نفوذ هنر مصری بر آثار هنری و مذهبی مهاجرنشین‌های سامی‌نژاد در مصر چنین بوده است. یعنی در مصر می‌توان سنگ‌قبرها و تابوت‌های سنگی منقوش با ریشه‌های سامی ملاحظه کرد. شاید عناصر هنر مصری در آنها اندکی دچار تغییر و تحریف شده باشد.

درباره تأثیر هنر مصری بر هنر دوره هخامنشی هم می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد^{۱۰۴}: حتی در ساخت یا بازسازی کامل معابد مصری در دوره داریوش مانند معبد بزرگی در منطقه الکعب^{۱۰۵} و معبد هیبیس در الخارقه همه عناصر معماری و نقش‌برجسته‌ها تحت تأثیر هنر مصری ساخته و بازسازی شده است. چنانچه هیبیس، بزرگ‌ترین پرستشگاهی که با تصویر صدها خدای مصری تزیین شده، در درجه اول به آمون‌رع تقدیم شده است. داریوش در این پرستشگاه در چند جا با صورت فرعون‌ها و صفات معمول فراعنه مصری در حال اهدای پیشکش‌های گوناگون (کندر، شراب، آب، کشتزار) به خدایان و الهگان پانثون مصری نقش شده است، که نشان می‌دهد چقدر تحت تأثیر هنر مصری قرار داشته است.^{۱۰۶} بنابراین، به نظر می‌رسد مصری‌ها بیش از بقیه ملل تابعه، دائماً در تلاش بوده‌اند که خود را از سلطه ایرانیان خارج کنند. همان اندازه که هنرمندان و صنعتگران ایرانی

103. Edith Porada, *Alt-Iran-die Kunst in Voelamischer Zeit*, P. 150.

۱۰۴. ایلیا گرشویچ، *تاریخ ایران*، دوره هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ص ۳۹۸.

105. El-Kab

۱۰۶. پیر بریان، *امپراتوری هخامنشی*، ترجمه مهدی سمسار، ص ۷۴۶.

۱۰۸. ویلیام کالیکان، *باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها*، ترجمه گودرز اسعدبختیار، ص ۱۶۷.

- Meyer, Eduard, *Der Papyrusfund von Elephantine, Dokumente einer jüdischen Gemeinde aus der Perserzeit und das älteste erhaltene Buch der Weltliteratur*, Leipzig, 1912.
- Schmidt, Erich, F. *Persepolis Structures. Reliefs. Inscriptions*. The University of Chicago, Oriental Institute Publications, Chicago, Illinois, 1953.
- Seidel, Matthias and Schulz, Regine, EGYPT, Germany, 2005.
- Porada, Edith, *Alt-Iran- die Kunst in Voeislamischer Zeit*, Baden-Baden, 1962.
- Posener, G, *Premiere Domination Perse En Egypte*, Recueil D,inscriptions, 1936.
- Hieroglyphiques, LE GAIRE, IMPRIMEIE DE L ;INTITUT Français.
- Willeitner , Joachim, *Die ägyptischen Oasen, Städte, Tempel und Gräber in der*, 2003.
- Wilkinson, Richard, H. *The Complete Temples of Ancient Egypt*, Hong Kong, 2000.
- Libyschen, Wüste, Verlag Philipp von Zabern, Main.
- Winlock , Herbert Eustis, *The Temple of Hibis in el_Kharge Oasis*, The Metropolitan Museum of Art Egyptian Expedition-New York, 1941.
- Wijngaarden, W. D. Van. *Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde*, Vol 79, P, 68-72, 1954.
- Uribe, EugeneCruz, *Hibis Temple Project; Preliminary Report, 1985-1986 and Summer Field Sasons*, Varia Egyptiaca San Antonio, 3, December, P, 215-230, 1987.
- Egypt state Information Service- <http://www.sis.gov.eg/En/>.
- داندامايف، محمد، *تاریخ سیاسی هخامنشیان*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: نشر کارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- داندامايف آ. محمد، *ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی*، ترجمه روحی ارباب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- شکاری نیری، جواد، *زمینه‌های تأثیر هنری و معماری حوزه‌های تمدنی افریقا و ایران در طول تاریخ هخامنشیان*، مجموعه مقالات (جلد ۲)، نشر مرکز، مطالعات آفریقا، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- کالیکان، ویلیام، *باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها*، ترجمه گودرز اسعدبختیار، تهران: مؤسسه پازینه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- گرشویچ، ایلیا، *تاریخ ایران*، دوره هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- پرادا، ایدت، (با همکاری رابرت دایسون)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- Arnold, Dieter, *Lexikon der ägyptischen Baukunst* , München, Zürich, Artemis, 1994.
- _____ , *Temples of the Last Pharaohs*, Newyork / Oxford, Oxford Universit, 1999.
- Aston, D. A ., *The shabti Box, A Typological Study*, OMRO 74-44, 1994.
- Baines, John & Malek, Jaromir, *Welt Atlas Der Alten Kulturen Ägypten*, 1981.
- Bonnet, Hans, *Reallexikon der ägyptischen Religionsgeschichte*, Berlin, 1952.
- (Deutsche Archäologischen Institut in Keiro Mittailung), MDAIK46-49 .
- Gropp, Gerd, *Ein Porträt des Königs Darius I. im Hibis-Tempel*, 1990.
- Ägypten, *Das Bildnis in der Kunst des Orients*; bhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, Stuttgart.
- Helck, w. Otto, E. , *Lexikon der Egyptology*, Pyramidenbau-Steingefäße Wiesbaden, 5, 1986.
- Hinz, Walther, *Darius und die Perser*, Eine Kulturgeschichte der Achämeniden, Baden-Baden, 1976.
- Mysliwiec, Karol, *Herr Beider Länder: Ägypten im 1. Jahrtausend v. Chr* Mainz, 1998.